



در سوگ استاد مه‌ریار

دکتر فریدون وحیدا

گیرم شکست پشت زمستان، بهار کو
سنبل کجاست، نرگس شب زنده‌دار کو
گیرم شکست صولت سرمای بهمنی
در فرودین نشانه‌ای از نو بهار کو
موج زلال در رگ هر کویچه باغ و باغ
آب حیات در دهن چشمه‌سار کو
گیرم بهار هست و گل و سبزه نیز هست
اما بهار علم و ادب، «مه‌ریار» کو
آن اوستاد نادره گفتارِ نغزگوی
آن در دیار و شهر ادب شهریار کو
عمری به باغ علم و ادب نغمه‌ساز بود
بی او طنین نغمه ز هر شاخ‌سار کو
روح حکیم توس از او زنده بود و شاد
شهنامه را چون او دگر آموزگار کو
او دوستدار مام وطن بود و بشنوید
بانگ وطن که های زند غمگسار کو
فرهنگ جان گرفت ز انفاس گرم او
بی او ز درد آه برآورده یار کو
ای شاه‌بیت دفتر عشق و شعور و شعر
این هر سه رانباشی اگر شاهکار کو
تو یادگار نادره کاران رفته‌ای
با رفتنت ز ناموران یادگار کو
رفتی و مانده یاد تو با یاد دوستان
بی یاد دوست‌اهل و فراق‌قرار کو